

En



دعاء ۴۹ صَحیفه  
برای دفع شر دشمنان

بخط ابوالحسن

نگارش آسان

# دعاء چهل ونهم (۴۹) از صحیفه سجادیه

الدعاء التاسع والأربعون من الصحيفة السجادية

Sahifa Sajjadia - Dua 49

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نیایش ۴۹ - دعای امام سجاد «ع»

His Supplication



# فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ وَ رَدِّ بَأْسِهِمْ

در دفع نیرنگ دشمنان و برگرداندن اذیت آنان  
in Repelling Enemies

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان  
In the Name of Allah, the All-compassionate, the All-merciful.



۱ اِلٰهِي هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ

خدای من! راهنماییم کردی؛ ولی به کارهای پوچ و بیهوده پرداختم،  
My God, Thou guided me but I diverted myself,

وَوَعَضْتُ فَقَسَوْتُ


و پندم دادی؛ اما سنگدل شدم،  
Thou admonished me but my heart became hardened,



وَأَبْلَيْتَ الْجُمْلَ فَعَصَيْتُ 

و نعمت زیبا عطایم کردی، به نافرمانی گراییدم. \* چون هدایت و نعمت و عطایت را به  
**Thou tried me graciously but I disobeyed.**

ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتُ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ 

من شناساندی، و من به توفیقت آنها را شناختم، و به زشتی گناہانی که در کنار این همه  
**Then, when Thou caused me to know it, I came to know that from** 

فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلَّتْ 

مواهب انجام دادم آگاه شدم، \* از حضرتت درخواست آمرزش کردم، \* و تو مرا آمرزیدی  
which Thou hadst turned [me] away, so I prayed forgiveness

فَعُدْتُ فَسَتَرْتُ 

و عذر من را پذیرفتی، \* باز به گناه برگشتم، و تو گناه من را پوشاندی و رسوایم نکردی. \*  
and Thou released, and I returned and Thou covered over.



فَلَكَ إِلَهِي الْحَمْدُ ❁

خدای من! تو را سپاس. \*

So Thine, my God, is the praise!

❁ تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ ٢ ❁

خود را در وادی هلاکت انداختم، \*

I plunged into the valleys of destruction



٨  
وَحَلَلْتُ شِعَابِ تَلَفٍ ❁

و در درّه‌های تباهی و نابودی وارد شدم،  
and settled in the ravines of ruin,

تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ ❁

با ورود به آن درّه‌ها، خود را در معرض سخت‌گیری‌هایت قرار دادم،  
exposing myself to Thy chastisements





وَبِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ



و با فرود آمدن به آنها، خود را در معرض عذاب‌هایت گذاشتم. \*

and the descent of Thy punishments!

وَسَيِّلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ



برای نجاتم وسیله‌ام در پیشگاهت، توحید، \*

My mediation with Thee is the profession of Unity,





وَذَرِيعَتِي أَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا

و دستگیره‌ام این است که چیزی را شریک تو قرار ندادم  
 my way of coming to Thee that I associate nothing with Thee,



وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعًا إِلَهًا

و همراه تو معبودی نگرفتم.  
 nor do I take along with Thee a god;



وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي

با همه وجودم به سویت فرار کردم، \*

I have fled to Thee with my soul -

وَإِلَيْكَ مَفْرَأُ الْمَسِيءِ

گریزگاه بدکار و پناهگاه، \*

in Thee is the place of flight



# وَمَفْزَعُ الْمُضْيعِ

آن که سود و بهره خود را ضایع کرده،  
for the evildoer, the place of escape

# حِظْ نَفْسِهِ الْمُلتَجِيءُ

و پناهنده شده درگاه توست. \*

for him who has squandered the share of his soul and seeks asylum.

۴ فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ اَنْتَضَىٰ

چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنیش را

How many an enemy has

عَلَىٰ سَيْفِ عَدَاوَتِهِ

علیه من از نیام بیرون کشیده \*

unsheathed the sword of his enmity toward me,



وَشَحَذَ لِي ظُبَّةَ مَدْيَتِهِ ﴿١٤﴾

و دم تیغش را علیه من تیز کرده،  
honed the cutting edge of his knife for me,

وَأَرْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ ﴿١٥﴾

و سرِ نیزه‌اش را به قصد حمله بر من نازک ساخته  
sharpened the tip of his blade for me,



وَدَاَفَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ 

و زهرهای کشنده‌اش را به آشامیدنیم در آمیخته،  
mixed his killing potions for me,

وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ 

و تیرهای اصابت کننده‌اش را به سوی من نشانه رفته،  
pointed toward me his straight-flying arrows,



وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي

و دیده نگهبانی و مراقبتش  
not allowed the eye of his watchfulness

عَيْرُ حِرَاسَتِهِ ❁

نسبت به من نخفته،  
to sleep toward me,





وَأَضْمَرَ أَنِّي سُوْمَنِي الْمَكْرُوهَ ❁

تصمیم گرفته که مرا هدف شکنجه و آزار و ناراحتی قرار دهد،  
and secretly thought of visiting me with something hateful

وَيَجْرِعُنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ ❁

و جرعه تلخی و مرارتش را به کام من ریزد. \*  
and making me gulp down the bitter water of his bile!



۵ فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي

ولی ای خدای من! تو ناتوانیم را  
So Thou looked my God,

عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ

از تحمل بارهای گران \*  
at my weakness in bearing oppressive burdens,



# وَعَجْزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ

و عجزم را از پیروزی، در برابر کسی که  
**my inability to gain victory over him**

# مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ

آهنگ جنگ و مبارزه با من را دارد دیدی \*  
**who aims to war against me,**



وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ

و تنهاییم را در برابر عده زیادی  
and my being alone before the great numbers

عَدَدٍ مِّنْ نَّأْوَانِي

که با من به عداوت و دشمنی برخاسته،  
of him who is hostile toward me



وَأَرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ

و در حال بی خبری من،  
and lies in wait for me

فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي

در کمین گرفتار کردنم نشسته‌اند، مشاهده فرمودی.\*  
with an affliction about which I have not thought.



۶ فَاِبْتَدَأْتُكَ بِنَصْرِكَ

پیش از آن که از تو یاری بخواهم، بی مقدمه به یاریم برخاستی، \*

**Thou set out at once to help me**

وَشَدَدْتُ أَزْرِي بِقُوَّتِكَ

و پشتم را به نیرویت محکم کردی. \*

**and Thou braced up my back!**



ثُمَّ فَلَلَّتْ لِي حَدَّهُ وَصَيَّرَتْهُ وَ

سپس سطوت و صولت و تندی و تیزی دشمن را شکستی، \* و پس از آن  
Thou blunted for me his blade, made him,

مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ وَ

که در میان عده‌ای انبوه، و افرادی فراوان جا داشت، تنه‌ایش گذاشتی، \*  
after a great multitude, solitary,



وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ 

و مرا بر او قدرت و برتری دادی،  
raised up my heel over him,

وَجَعَلْتُ مَا سَدَّدَهُ  مَرْدُودًا عَلَيْهِ

و آنچه را به سوی من نشانه رفته بود، به خودش برگرداندی،  
and turned back upon him what he had pointed straight.





فَرَدَدْتَهُ ۖ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ ۖ

و او را از عرصه گاه جنگِ بر ضد من بازگرداندی، در حالی که  
So Thou sent him back,

وَلَمْ يَسْكُرْ غَلِيلُهُ ۖ

خشمش بهبودی نیافت، \* و کینه‌اش آرام نشد، \*  
his rage not calmed, his burning thirst not quenched!



قَدْ عَضَّ عَلَى شَوَاهِ



و سرانگشتانش را به دندان گزید، \* و رخ برتافت و به میدان جنگ پشت کرد،

**Biting his fingers, he turned his back in flight,**

وَادْبَرَ مُوَلِّيًّا قَدْ أَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ



در حالی که سپاهیان از آن چه وعده‌اش داده بودند، تخلف کردند. \*

**his columns having been of no use.**



۷ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ

و چه بسیار متجاوزی که با حيله‌هايش به حقوق من تجاوز کرد،  
How many an oppressor has oppressed me with his tricks,

وَنْصَبَ لِي شَرَكًا مَصَائِدِهِ

و دام‌های شکارش را برایم نهاد،  
set up for me the net of his snares,



وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ ﴿٢٨﴾

و مراقبت و نگهبانیش را بر من گماشت،  
appointed over me the inspection of his regard,

وَأَضْبَأَ إِلَى السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ ﴿٢٩﴾

و چون درنده‌ای که به انتظار به دست آوردن فرصت،  
and lay in ambush for me,



# اِنْتِظَارًا

برای شکار کردن صیدش  
the lying in ambush

لَا نَنْتَهِازِ الْفُرْصَةَ لِفَرِيْسَتِهِ

کمین نماید، در کمین من نشست، \*

of a predator for its game, waiting to take advantage of its prey,



وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلِكِ

در حالی که خوش رویی چاپلوسی را برایم آشکار می کند،  
while he showed me the smile of the flatterer

وَيَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَنَقِ

و با شدت خشم مرا می پاید.  
and looked at me with the intensity of fury!



۸ فَلَمَّا رَأَيْتَ

ای خدای من!

So when Thou saw, my God,

– يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ –

پربرکت و بلند مرتبه‌ای،

(blessed art Thou and high exalted)



دَغَلَ سَرِيرَتِهِ

هنگامی که فساد باطن \*

the depravity of his secret thoughts

وَقُبِّحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ

و زشتی آنچه را در دل و اندیشه داشت دیدی، \*

and the ugliness of what he harboured,





أَرْكَسْتَهُ <sup>و</sup> لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ 

او را با مغز در آن گودالی که برای شکار کننده بود در انداختی،  
 Thou threw him on his head into his own pitfall

وَرَدَدْتَهُ <sup>و</sup> فِي مَهْوَى حَفْرَتِهِ 

و در پرتگاه حفره‌اش در افکندی،  
 and dumped him into the hole of his own digging.



فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبْقِ

تا پس از سرکشی اش، با خواری و خفت در بند دامی

So he was brought down low, after his overbearing, by the nooses

حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يَقْدِرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا

که فکر می کرد مرا در آن ببیند گرفتار شد، \*

of his own snare, wherein he had thought he would see me;



وَقَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي

و اگر رحمت تو نبود،

and what came down upon his courtyard - had it

لَوْلَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ

آنچه بر سر او آمد، نزدیک بود به سر من آید. \*

not been for Thy mercy - was on the point of coming down upon me!

۹ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ

و چه بسیار حسودی که  
How many an evier has

قَدْ شَرِقَ بِي بِغَضَّتِهِ

به خاطر من اندوه و غصه گلوگیرش شد،  
choked upon me in his agony,



وَشَجِيَ مَنِي بِغِيْظِهِ ﴿٣٧﴾

و شدت خشمش نسبت به من در گلویش پیچید،  
fumed over me in his rage,

و سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ ﴿٣٨﴾

و با نیش زبان مرا آزار داد،  
cut me with the edge of his tongue,



وَوَحَرَنِي بِقَرَفِ عِيُوبِهِ 

و به عیوب خودش به من طعنه زد، \*

showed malice toward me by accusing me of his own faults,

وَجَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ 

و آبرویم را نشانه تیرهای حسدش قرار داد، \*

made my good reputé the target of his shots,



# وَقَلَّدَنِي خِلَالًا

و صفات ناپسندی که در وجود خودش بود،

**collared me**

# لَمْ تَزَلْ فِيهِ

به گردن من انداخت، \*

**with his own constant defects,**



وَوَحَرَنِي بِكَيْدِهِ 

و با مکرش مرا دچار شدت خشم کرد،  
showed malice toward me with his trickery,

وَقَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ 

و با نیرنگش آهنگ من نمود.  
and aimed at me with his tricks!





# ۱۰ فَنَادَيْتُكَ - يَا إِلَهِي - مُسْتَغِيثًا

ای خدای من! با فریاد خواهی از تو صدایت زدم،  
So I called upon Thee, my God, seeking aid from Thee,

بِكَ • وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ •

در حالی که به سرعت اجابت دعایم اطمینان داشتم،  
trusting in the speed of Thy response,



عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ

و آگاه بودم که هر کس در سایه حمایت پناه گیرد،  
 knowing that he who seeks haven

مَنْ أَوَىٰ إِلَىٰ ظِلِّ كَنْفِكَ ❁

مورد ستم قرار نگیرد، \*  
 in the shadow of Thy wing will not be mistreated,



وَلَا يَفْزَعُ مَنْ جَاءَ

و هر کس به پناهگاه یاری تو ملتجی شود،  
and he who seeks asylum

إِلَى مَعْقِلٍ اِنْتِصَارِكَ

گرفتار ترس و وحشت نمی شود، \*

in the stronghold of Thy victory will not be frightened.



فَحَصَّنْتَنِي

و تو مرا به قدرت  
So Thou fortified me

مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ

از سختی و شرّ او حفظ کردی. \*  
against his severity through Thy power.



۱۱ وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ

و چه بسیار ابرهای ناپسند و تیره و زشتی که  
How many a cloud of detested things

جَلَّيْتُهَا عَنِّي

از آسمان زندگیم برطرف فرمودی، \*  
Thou hast dispelled from me,



وَسَحَائِبٍ نِعَمٍ أَمْطَرَتْهَا عَلَيَّ

و ابرهای نعمتی که بر من باریدی، \*

a cloud of favour Thou hast made rain down upon me,

وَجَدَّأَوَّلٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا

جویبارهای رحمتی که در کشت زار حیاتم روان کردی، \*

a stream of mercy Thou hast let flow,



# وَعَافِيَةِ الْبُسْتِهَا

و چه بسیار جامه های عافیتی که بر من پوشاندی،  
a well-being in which Thou hast clothed me,

# وَأَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا

و چشمه های حوادثی که به خاک انباشتی،  
an eye of mishap Thou hast blinded,



و غَوَاثِي كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا

و پرده غم‌هایی که از دلم برطرف کردی. \*

and a wrap of distress Thou hast removed!

۱۲ وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتَ

و چه بسیار گمان نیکی که به تو داشتم، و تو آنها را محقق ساختی، \*

How many a good opinion Thou hast verified,





وَعَدَمٍ جَبْرَتٍ

و نداری و فقری که جبران فرمودی،  
a destitution Thou hast redressed,

وَصَرْعَةٍ اَنْعَشْتِ

و افتادنی که دستم را گرفتی و از آن بلند کردی،  
an infirmity Thou hast restored to health,



# وَمَسْكِنَةٍ حَوَّلَتْ

و مسكنت و فقری که به غنا و ثروت تغییر دادی. \*

**and a misery Thou hast transformed!**

۱۳  كُلُّ ذَلِكَ أَنْعَامًا وَتَطَوَّلَ مِنْكَ 

همه اینها از روی نعمت دهی و احسان تو بود، \*

**All of that was favour and graciousness from Thee,**



وَفِي جَمِيعِهِ اِنْهَمَاكَ مِنْي

و من در عین غرق بودن در تمام آن مواهب و الطاف،  
and in all of it I was occupied

عَلَى مَعَاصِيكَ

نسبت به نافرمانیت در تلاش و کوشش بودم؛ \*  
with acts of disobeying Thee.



لَمْ تَمْنَعْنِي إِسَاءَتِي

ولی بدکاریم و زشتی کردارم،

My evildoing did not hinder Thee

عَنْ اِتِّمَامِ اِحْسَانِكَ

تو را از کامل کردن احسانت در حق من باز نداشت،  
from completing Thy beneficence,



وَلَا حَاجِرَنِي ذَلِكَ

و این احسانت مرا  
nor was I stopped

عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطٍ

از ارتکاب علل خشم تو منع نکرد. \*  
from committing acts displeasing to Thee.



لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ ❁

تو از آن چه انجام می دهی بازخواست نمی شوی. \*

**Thou art not questioned as to what Thou dost!**

وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ ❁ ۱۴

از تو خواسته شد، عطا کردی \*

**Thou wert asked, and Thou bestowed.**



وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ



و خواسته نشد، به عطا کردن آغاز فرمودی، \*

**Thou wert not asked, and Thou began.**

وَاسْتُمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْدَيْتَ



و احسانت درخواست شد، بخل نورزیدی. \*

**Thy bounty was requested, and Thou didst not skimp.**



# اَبِیَّتْ - یَا مَوْلَایَ -

ای مولای من!

Thou refused, my Master,

إِلَّا إِحْسَانًا وَامْتِنَانًا ❁

تو نخواستی مگر احسان و اکرام \*

everything but beneficence, kindness,





وَتَطَوَّلًا وَإِنْعَامًا

و نیکی کردن و نعمت دادن را،  
graciousness, and favour, and I refused

وَأَيُّتُ إِلَّا تَقَحُّمًا حُرْمَاتِكَ

و من نخواستم مگر افتادن در محرّمات  
everything but plunging into what Thou hast made unlawful,



وَتَعْدِيَا حُدُودِكَ ❁

و تجاوز از حدودت \*  
transgressing Thy bounds,

و غَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ ❁

و غفلت از تهدیدت را. \*  
and paying no heed to Thy threat!



فَلَكَ الْحَمْدُ - إِلَهِي - مِنْ مُقْتَدِرٍ

خدای من تو را سپاس؛ سپاس نسبت به نیرومندی که مغلوب

So Thine is the praise, my God, the All-powerful who is not overcome,

لَا يُغْلَبُ \* وَذِي أَنَاةٍ لَا تَعْجَلُ \*  
 

نمی شود \* و مهلت دهنده ای که در عذاب کردن شتاب نمی ورزد. \*

and the Possessor of patient waiting who does not hurry!



# ۱۵ هَذَا مَقَامُ

این جایگاه کسی است  
This is the station of one

مَنْ اعْتَرَفَ بِسَبُوحِ النِّعَمِ

که به فراوانی نعمت‌ها اعتراف کرد،  
who confesses to lavishness of favours,



# وَقَابِلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

و با کوتاه آمدن از شکر نعمت‌ها، با نعمت‌ها به مقابله برخاست،  
**counters them with shortcomings,**

# وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ

و علیه خود به تباه کردن امورش گواهی داد.  
**and bears witness to his own negligence.**



اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ ١٦

خدایا! به مقام بلند

O God, so I seek nearness to Thee through

بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ

و رفیع محمدی، \*

the elevated rank of Muhammad



وَالْعُلُوِّيَّةِ الْبَيَّضَاءِ \* وَآتَوَجَّهُ إِلَيْكَ

و به ولایت روشن علوی به تو تقرّب می جویم، \* و به واسطه آن دو بزرگوار  
and the radiant degree of 'Ali, and I turn to Thee through them so

بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ (كَذَا وَكَذَا) \*

به درگاهت رو می کنم، که مرا از شرّ فلان و فلان (ذکر کنید) پناه دهی، \*  
that Thou wilt give me refuge from the evil of [so and so],



# فَاِنَّ ذٰلِكَ

که این پناه دهی  
for that

# لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ

در کنار توانایت تو را به تنگنا نمی اندازد،  
will not constrain Thee in Thy wealth,





وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ

و در جنب قدرتت تو را دچار زحمت و رنج نمی کند،  
nor trouble Thee in Thy power,

وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و تو بر هر کاری توانایی.  
and Thou art powerful over everything!



۱۷ فَهَبْ لِي - يَا إِلَهِي -

ای خدای من!  
So give me, my God,

مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ

از رحمت و دوام توفیقت به من ببخش  
by Thy mercy and Thy lasting bestowal of success,



مَا أَتَّخِذُهُ سُلْمًا

که آن را نردبان رسیدن  
that which I may take as a ladder

أَعْرِجْ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ

به خشنودیت قرار دهم، \*  
with which to climb to Thy good pleasure



وَأَمِّنْ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ



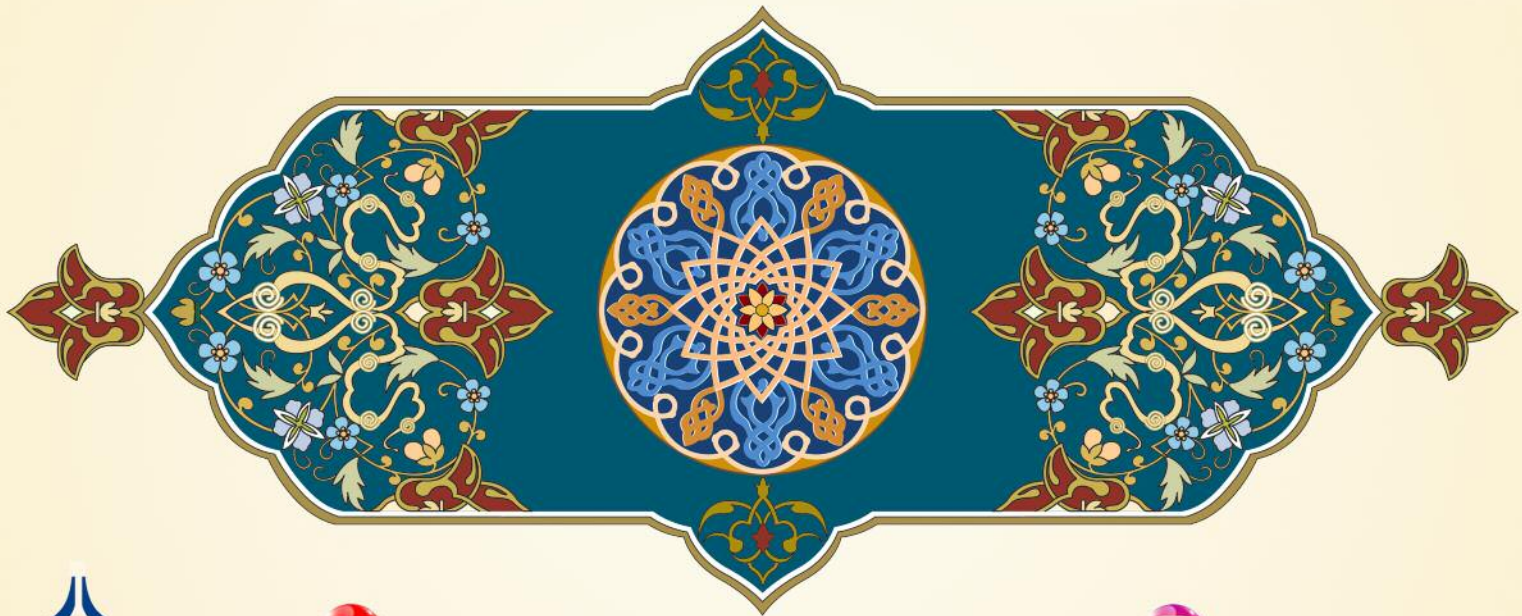
و به سبب آن از عقوبت ایمن گردم،  
and be secure from Thy punishment,



يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای مهربان ترین مهربانان!  
O Most merciful of the merciful!





Negaresh Asan



easy.reading.quran



negaresh.asan

negareshasanpub



[www.negaresh-asan.ir](http://www.negaresh-asan.ir)

نگارش  
آسان